



The Timing of the People of the Book's Belief in Jesus (AS) Based on a Comparative Narrative Exegesis of Verse 159 of Surah An-Nisa (4:159)*

Mohsen Khoshfar¹ and Mina Ebrahimi² and Fatemeh Taebi Esfahani³

Abstract



There exists considerable discourse among scholars from both Sunni and Shia perspectives concerning the belief of the People of the Book (Jews and Christians) in Prophet Jesus (AS), as indicated in verse 159 of Surah An-Nisa. The variation in interpretations stems from differing understandings of the phrases "bi-hi" (in him) and "qabla mawtihi" (before his death) within the verse. These interpretations can be classified into six primary categories: (1) belief in Jesus prior to his death, (2) belief prior to the death of the People of the Book, (3) belief in Prophet Mohammad (PBUH) at the time of death, (4) belief in both Prophet Mohammad (PBUH) and Imam Ali (PBUH) at their respective deaths, (5) a universal belief in Prophet Mohammad (PBUH) during the return of Jesus in the end times, and (6) acknowledgment of the Imamate by the descendants of Fatimah (SA) at the time of their death. This research utilizes a descriptive-analytical approach to assess and analyze the evidence and arguments that support each interpretation. The perspective that connects the belief of the People of the Book to the period of Jesus' return before his death, as well as during the Mahdi's (AJ) arrival and Jesus' return in the end times, is substantiated by the context of the verse and additional corroborative evidence. Furthermore, interpretations that involve other members of the Ahl al-Bayt can be viewed as an application or extension of the verse's overarching principle, which may also pertain to the time of Imam Mahdi's (AJ) emergence when Jesus descends from the heavens. Although the verse seems to address a specific group, its implications are universal, extending to all individuals across various epochs.

Keywords: Return of Jesus, Era of the Mahdi's Appearance, Verse 159 of Surah An-Nisa (4:159), Belief of the People of the Book.

*. **Date of receiving:** 10/01/2024, **Date of approval:** 26/04/2024.

1. Assistant Professor and Faculty Member, University of Qom, Iran; (mohsenkhoshfar@yahoo.com).

2. Level 4 Student of Comparative Tafsir, Fatemeh al-Zahra Higher Educational Institute, Khorasgan, Isfahan, Iran; (m.brahim.esf@gmail.com).

3. Level 4 Student of Comparative Tafsir, Fatemeh al-Zahra Higher Educational Institute, Khorasgan, Isfahan, Iran; (taebi1379@gmail.com).



زمان ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی ع با تکیه بر تفسیر روایی تطبیقی آیه ۱۵۹ نساء *

محسن خوش‌فر^۱ و مینا ابراهیم^۲ و فاطمه طائبی اصفهانی^۳



چکیده

درباره ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء، مفسران فریقین اختلاف نظر دارند. این تعدد نظرات به دلیل تفاوت در تعیین مرجع ضمیرهای «بِهِ» و «قَبْلَ مَوْتِهِ» در این آیه است. دیدگاه‌های مفسران به شش دسته تقسیم می‌شود که به ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام پیش از رحلت ایشان، یا پیش از مرگ اهل کتاب، یا ایمان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در لحظه مرگ، یا به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام هنگام رحلت، یا ایمان همگان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در زمان رجعت، و یا اعتراف فرزندان حضرت زهرا علیها السلام به امامت امام خود در هنگام رحلت اشاره دارد. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ادله و دیدگاه‌های هر دسته ارزیابی و بررسی شده است. دیدگاهی که ایمان اهل کتاب را به زمان حضور حضرت عیسی علیه السلام پیش از وفات او و نیز در عصر ظهور امام زمان علیه السلام و رجعت حضرت عیسی علیه السلام مرتبط می‌داند، با توجه به سیاق آیه و دیگر دلایل تأیید شده است. همچنین دیدگاه‌هایی که ناظر به دیگر اهل بیت هستند، از باب جری و تطبیق بر مصادیق حاضر و یا تأویل، می‌تواند بر زمان ظهور امام زمان علیه السلام که در همان دوران حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید، صدق کند. هرچند ظاهر آیه به گروه خاصی اشاره دارد، حکم آن عام است و همه انسان‌ها در تمام دوران‌ها را دربرمی‌گیرد.

واژگان کلیدی: بازگشت حضرت عیسی، عصر ظهور، آیه ۱۵۹ نساء، ایمان اهل کتاب.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه، قم، ایران؛ mohsenkhoshfar@yahoo.com.

۲. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی فاطمه الزهراء س خوراسگان اصفهان، ایران؛ m.brahim.esf@gmail.com.

۳. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی فاطمه الزهراء س خوراسگان اصفهان، ایران؛ Taebi1379@gmail.com.



مقدمه

قرآن، اعتقاد به امام زمان (علیه السلام) را در آیات خود تأیید کرده است؛ زیرا قرآن به عنوان "تبیان لكل شیء" معرفی شده است (نحل: ۸۹)، و طبق حدیث ثقلین که به تواتر بر همه مسلمانان ثابت شده، اهل بیت (علیهم السلام) هم وزن و هم کفو قرآن کریم هستند. بنابراین، آیاتی که اهل بیت (علیهم السلام) آنها را بر امام زمان (علیه السلام) تطبیق داده‌اند، باید به عنوان ادله قرآنی دال بر مهدویت محسوب شوند.

از جمله این آیات که از طریق روایات بر حضرت مهدی (علیه السلام) تطبیق شده است، آیه ۱۵۹ سوره نساء: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» می‌باشد. آیات پیشین (آیات ۱۵۵-۱۵۸) به دشمنی‌های یهود با حضرت عیسی (علیه السلام) و ادعای مصلوب کردن او اشاره دارند. در این سیاق، قرآن کریم ضمن رد این ادعا، به زمان ایمان اهل کتاب اشاره می‌کند که به دلیل اختلاف نظر در مرجع ضمیرهای «بِهِ» و «قَبْلَ مَوْتِهِ»، دیدگاه‌های متفاوتی در این باره شکل گرفته است.

نزول حضرت عیسی (علیه السلام) به عنوان یاور امام زمان (علیه السلام) در قیام علیه باطل، نابودی قدرت‌های شیطانی، و اقتدا به امام زمان (علیه السلام) در نماز، و دعوت جهانیان به ویژه مسیحیان به پیروی از حقایق، همگی نشان‌دهنده نقش برجسته حضرت مسیح (علیه السلام) در پیشبرد اهداف آخرین منجی الهی است. این ارتباط نزدیکی بین نزول حضرت عیسی (علیه السلام) و ظهور امام زمان (علیه السلام) را تأیید می‌کند.

در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مفسران، به این پرسش که ایمان اهل کتاب چه زمانی رخ می‌دهد، از طریق بررسی تطبیقی روایی آیه ۱۵۹ نساء و تعیین مرجع ضمیرهای «بِهِ» و «قَبْلَ مَوْتِهِ» پاسخ داده شده است.

در این زمینه، مقالاتی نیز منتشر شده‌اند، از جمله:

- مقاله «تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سوره نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (علیه السلام)» به قلم سعید توسلی‌خواه که عمدتاً به بررسی مرجع ضمیر «هاء» پرداخته است و نه زمان ایمان اهل کتاب.

- مقاله «بررسی تطبیقی تفسیر آیه ۱۵۹ سوره مبارکه نساء از دیدگاه مفسران فریقین» نوشته فتح‌الله نجارزادگان که بیشتر به بحث حیات حضرت عیسی (علیه السلام) پرداخته و کمتر به زمان ایمان اهل کتاب به عیسی (علیه السلام) توجه کرده است.

- مقاله «مهدویت، مقاله اجل یهود؛ پایان دنیا یا رجعت عیسی» به قلم علیرضا کهنمویی که در شماره ۲۲ مجله مشرق موعود منتشر شده است و بدون بررسی تطبیقی به این آیه اشاره دارد (رضایی کهنمویی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰-۱۵۲).

این آیه به طور کامل و با ارائه تمامی دیدگاه‌های مفسران فریقین به صورت تطبیقی بررسی نشده و تنها به صورت پراکنده در مقالات مختلف به آن پرداخته شده است.

الف. بررسی واژگان آیه ۱۵۹ سوره نساء

برای روشن شدن مباحث مورد نظر در این پژوهش، ابتدا واژه‌های آیه بررسی می‌شود.

۱. توفی

توفی در اصل از ریشه «وفی» به معنای کامل کردن و تمام کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۴۱۰؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۶/۱۲۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷۸؛ ابوجیب، ۱۴۰۸: ۳۸۴). اینکه این واژه به معنای مرگ آمده، نیز به همین دلیل است، زیرا اخذ کامل صورت می‌گیرد و چیزی از فرد باقی نمی‌ماند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۶/۱۲۹). در اکثر منابع لغوی، توفی به معنای وفات و مرگ آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۴۱۰؛ ابوجیب، ۱۴۰۸: ۳۸۴؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۴۳۸؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۶/۲۵۲۶). در برخی منابع لغوی تصریح شده که توفی در آیه ۵۵ آل عمران نیز به معنای مرگ است (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴: ۹۷؛ زمخشری، ۱۳۸۶: ۲۶۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۴۴۴؛ ابوجیب، ۱۴۰۸: ۳۸۴). با این حال، برخی اندیشمندان توفی را به معنای مرگ و خواب نیز دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۲۰۶). ثعلبی از حسن بصری نقل کرده است که وفات در قرآن به سه نوع است: به معنای مرگ ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ (زمر: ۴۲)، به معنای خواب ﴿هُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ﴾ (انعام: ۶۰) و به معنای رفع ﴿إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُكَ﴾ (آل عمران: ۵۵) (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/۱۲۹). واژه «رفع» نزد لغویان به معنای بالا بردن و بلند کردن آمده است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲/۲۳۳؛ فیومی، ۱۴۲۸: ۲/۲۳۲) و در قرآن هم در مورد امور مادی، مانند آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾ (حجرات: ۲)، و هم امور معنوی، مانند آیه ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله: ۱۱) به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴/۱۸۳). از آنجا که در آیه ﴿إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُكَ﴾ (آل عمران: ۵۵) «رفع» و «توفی» کنار هم آمده‌اند، برخی این دو کلمه را مترادف دانسته‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/۱۲۹)، اما در «رفع» تأکید بر انتقال فرد یا چیزی از پایین به بالا است.

۲. مقصود از «توفی»

برخی مفسرین «متوفیک» را به معنای «ممیتک» دانسته و بر اساس آن، خداوند حضرت عیسی (علیه السلام) را سه ساعت میرانده و سپس او را به آسمان برده است (طبری: ۲۰۳/۳؛ رازی: ۲۳۷/۸؛ اندلسی: ۱۷۶/۳). اما ثعلبی در کشف و البیان با استناد به وهب بن منبه، کلمه «احیا» را اضافه کرده و می‌گوید: «وهب گفت: خداوند حضرت عیسی را سه ساعت در روز میراند، سپس او را زنده کرده و به سمت خود بالا برد» (ثعلبی: ۸۱/۳). با توجه به تعارض در این مسأله، احتمالات مختلفی مطرح شده است:



رحلت حقیقی و بالا بردن روح: طبق این دیدگاه، حضرت عیسی علیه السلام به معنای واقعی رحلت کرده‌اند و رفع روح ایشان پس از فوت صورت گرفته است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۰۸/۳-۱۰۹؛ مراغی، بی‌تا، ۱۶۹/۳-۱۷۰).

رحلت حقیقی، زنده کردن پس از توفی، و بالا بردن روح و جسم: طبق این دیدگاه، نزول حضرت عیسی در آخرالزمان نخواهد بود و صرفاً به زنده‌بودن فعلی ایشان اشاره دارد. توفی در اینجا به معنای گرفتن کامل (جسم و روح) است، به گونه‌ای که خداوند حضرت را به صورت کامل به سوی خود بالا برده است (حجازی، ۱۴۱۳: ۲۳۶/۱؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۳۸/۳؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱۶/۲؛ صادقی، ۱۴۱۹: ۵۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۵۷/۱).

رحلت حقیقی در زمان ظهور (با تقدیم و تأخیر در الفاظ): توفی به معنای مرگ حقیقی است اما منظور از «مُتَوَفِّیْكَ وَرَافِعُكَ» که تقدیم و تأخیر در الفاظ دارد، این است که خداوند حضرت را به آسمان می‌برد، سپس در آخرالزمان او را به زمین برمی‌گرداند و بعداً او را قبض روح می‌کند (فراء، ۱۹۸۰: ۲۱۹/۱؛ زجاج، ۱۴۱۶: ۹۶/۱؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۲۷۸/۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲۱۸/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۷/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۱/۲-۱۷۲).

امری غیر از رحلت واقعی: مفسران در این دیدگاه دو نظر دارند:

۱. توفی به معنای خواب است؛ یعنی خداوند حضرت عیسی را به خواب برده و در خواب ایشان را به سوی خود برده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۰۳/۳).
۲. توفی به معنای جدا کردن حضرت از شهوات و پستی‌ها و پاک کردن او از کدورت‌ها و ظلمت‌ها است، که مانع رسیدن به جایگاه لاهوتی می‌شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸۲/۳؛ نخجوانی، ۱۹۹۹: ۱۱۱/۱). این دیدگاه یک تفسیر باطنی و عرفانی است و تنها تعداد معدودی از مفسران به آن باور دارند؛ این دیدگاه هیچ اشاره‌ای به خروج حضرت عیسی در آخرالزمان ندارد و دلالتی بر زنده‌بودن ایشان نمی‌کند.

ب. تحلیل دیدگاه‌ها درباره زمان ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام

در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره نساء درباره ایمان اهل کتاب، مفسران شیعه و سنی اختلاف نظر دارند. منشأ این اختلاف به تفاوت در مرجع دو ضمیر «به» و «قَبْلَ مَوْتِهِ» بازمی‌گردد که در ادامه به بررسی و تحلیل آن پرداخته شده است.

۱. ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی قبل از فوت حضرت عیسی

در این دیدگاه، مرجع هر دو ضمیر «به» و «قَبْلَ مَوْتِهِ» به حضرت عیسی علیه السلام بازمی‌گردد. بنابراین، آیه به وقایع آخرالزمان و بازگشت دوباره حضرت عیسی به زمین پیش از قیامت اشاره دارد. معنای آیه چنین است که همه اهل کتاب پیش از مرگ حضرت عیسی که پس از بازگشت او به زمین رخ می‌دهد، به او ایمان می‌آورند (نسفی، ۱۴۱۶: ۳۸۱/۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۰: ۲۹۷/۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۷۲۰/۱؛ جرجانی، ۱۴۰۳: ۵۳۹/۱؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۳۰۱/۱؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۱۸۰/۱؛ ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۵۸۹/۱؛ نخجوانی، ۱۹۹۱: ۱۷۷/۱؛ ملاحویش آل‌غازی، ۱۳۸۲: ۶۲۵/۵؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۴۴۱/۳؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۲۷۹/۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۵۳۵/۷؛ فراء، ۱۹۸۰: ۲۹۵/۱؛ لاهیجی، ۱۳۷۳: ۵۸۶/۱؛ معرفت، ۱۰۹/۱۴۲۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۴۰۱/۲).

ادله قول ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی قبل از رحلت حضرت عیسی

سیاق آیات شریفه: با توجه به سیاق آیات که درباره حضرت عیسی سخن می‌گوید، ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» به حضرت عیسی بازمی‌گردد (کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۵۳/۳-۱۵۴). آیه ۱۵۷ اشاره به کشته نشدن حضرت عیسی دارد، آیه ۱۵۸ به عروج او و آیه ۱۵۹ به رجعت و سپس مرگ او اشاره می‌کند. بنابراین، جایگاه این آیه در میان آیات مرتبط با عروج و مصلوب نشدن حضرت عیسی قرار دارد (میبدی، ۱۳۷۱: ۷۴۶/۲). علامه طباطبایی نیز با توجه به سیاق آیات، معتقد است که آیه مذکور درصدد توضیح حیات حضرت مسیح است و بیان می‌کند که اهل کتاب در مقاطع عروج و رجعت به او ایمان می‌آورند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۵/۵).

۱. دلالت ظاهر آیه به رجعت حضرت عیسی علیه السلام: ظاهر آیه با رجعت و بازگشت حضرت مسیح سازگارتر است، زیرا همه ضمایر مفرد (قَتَلُوهُ، صَلَبُوهُ، شُبِّهَ، فِيهِ، رَفَعَهُ، بِهِ، يَكُونُ) به حضرت عیسی بازمی‌گردد. همچنین، اگر مرجع ضمیر «به» به کسی غیر از حضرت عیسی باشد، این مخالف ظاهر آیه است. نزدیک‌ترین مرجع ضمیر نیز حضرت عیسی است، نه اهل کتاب که مرجع دورتر است (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۴۴۰/۷).

۲. دلالت روایات: روایات مربوط به این آیه در منابع شیعه و سنی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) روایات نزول حضرت عیسی علیه السلام: این روایات به نزول حضرت عیسی، کشته شدن دجال، صلح جهانی و چیرگی اسلام بر زمین اشاره دارند. در این زمان، حتی حیوانات نیز به مسالمت زندگی خواهند کرد و همه ملت‌ها اسلام را خواهند پذیرفت. حضرت عیسی با نشانه‌هایی چون چهره سفید،



گونه‌های سرخ و شکستن صلیب توصیف شده است (ابوحیان، ۱۴۰۷: ۵۳۱/۱؛ جرجانی، ۱۳۷۸: ۳۰۵/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۱۱/۳؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴۲۱/۱؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ۱۵۲۳/۲).

ب) روایات بیان کننده معنای آیه: اکثر مفسران فریقین، به روایت شهر بن حوشب اشاره کرده‌اند که ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» را به حضرت عیسی نسبت می‌دهد (قمی، ۱۳۶۳: ۱۵۸/۱). در این روایت، شهر بن حوشب به حجاج بن یوسف توضیح می‌دهد که حضرت عیسی پیش از قیامت به زمین بازخواهد گشت و اهل کتاب پیش از فوت او به او ایمان خواهند آورد. روایتی مشابه در منابع اهل سنت نیز آمده است که بیان می‌کند اهل کتاب در لحظه مرگ به حضرت ایمان می‌آورند، هرچند این ایمان در آن زمان نفعی ندارد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۴۱/۲).

ظاهر این روایات نشان می‌دهد که اهل کتاب در لحظه مرگ به حضرت عیسی ایمان می‌آورند و هنگام ظهور، بازماندگان نیز به او می‌پیوندند. این روایت از دیدگاه تلفیقی حمایت می‌کند که برخی مفسران فریقین نیز بدون استناد مستقیم به آن، به این موضوع پرداخته‌اند (سبزواری، ۱۴۱۹: ۱۰۸/۱؛ دروزه، ۱۴۲۱: ۲۷۹/۸).

بررسی سندی حدیث

قاسم بن محمد اصفهانی (کاسولا معروف به قمی): از نظر رجالی، ضعیف شمرده شده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۱۵).

سلیمان بن داوود المنقری: درباره ثقه بودن او اختلاف وجود دارد. برخی رجالیون او را ضعیف دانسته‌اند (ابن غضائری، بی تا، ۶۵/۱؛ علامه مجلسی، ۱۴۲۰: ۸۹) و برخی دیگر او را ثقه می‌دانند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵؛ خویی، ۱۴۱۰: ۲۵۷/۸). گرچه وی عامی مذهب است، اما بیشتر اهل سنت او را تضعیف کرده‌اند (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۰۵/۲).

شهر بن حوشب: در وثاقت و ضعف او میان رجالیون اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی او را ضعیف دانسته و احادیث او را رد کرده‌اند به دلیل نقل از افرادی چون ابوهیره و عایشه (ابن حبان، ۱۳۹۶: ۳۶۱/۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۱۲/۷؛ زرکلی، ۱۹۸۹: ۱۷۸/۳)؛ در حالی که برخی او را موثق می‌دانند (ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۷۲-۳۷۹).

بررسی مفهومی روایت

الف) روایت موجود در تفسیر قمی به بازگشت حضرت مسیح اشاره دارد. اما در روایت اهل سنت، ضمیر به هر دو مرجع حضرت عیسی و اهل کتاب اشاره دارد. با توجه به اینکه این روایت، حکایتی از حادثه و گفت‌وگوی شهر بن حوشب با حجاج است، باید نقل یکسانی داشته باشد، اما سه گونه متفاوت روایت شده است.

ب) در تفسیر قمی، روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده است، اما در روایت اهل سنت، طبق قرینه روایت دیگری که سیوطی در "درالمنثور" آورده است، ابتدا منبع روایت محمد حنفیه پسر حضرت علی علیه السلام و سپس شهر بن حوشب به عنوان راوی اصلی و ام سلمه به عنوان راوی دیگر ذکر شده‌اند. ابن عباس نیز حدیثی در تایید هر دو نظریه نقل کرده است، اما حاکم نیشابوری نظریه دوم را صحیح دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۴۱/۲).

ج) حلیث دیگری از ابوهریره در صحیحین ذکر شده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۱۱۳/۴). ترمذی و ابن کثیر سند این حدیث را حسن دانسته‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴۰۴/۲؛ صحیح البخاری، ۱۴۱۰: ۴۰۱/۵؛ مسلم، ۱۴۱۲: ۱۳۶/۱؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۵۳۶/۵؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۲۴۶/۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «قسم به خداوند که جانم در دست اوست، نزدیک است که پسر مریم به عنوان حاکمی عادل فرود آید، صلیب را بشکنند، خوک را بکشند، جزیه را از بین ببرند، و ثروت به حدی سرریز شود که کسی آن را نمی‌پذیرد تا جایی که یک سجده از دنیا و آنچه در آن است، بهتر تلقی می‌شود.» سپس ابوهریره گفت: «اگر خواستید قرئت کنید: وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» به نظر می‌رسد که این تطبیق از خود ابوهریره است و ادامه روایت پیامبر نیست. د) مفسرانی که نظریه اول را پذیرفته‌اند به روایت ابن عباس استناد کرده‌اند و مفسرانی که دیدگاه دوم را پذیرفته‌اند به روایت حسن ارجاع داده‌اند. روایت ابوهریره، که آیه را به نظر خود تفسیر کرده، مستند به معصوم نیست.

در نهایت به هیچ کدام از این روایات نمی‌توان استناد کرد مگر آنکه پشتولنه‌ای قطعی مانند آیات قرآن داشته باشند. در چنین مواردی، در صورت موافقت روایت با ادله قرآنی، می‌توان آن را پذیرفت.

۲. ایمان همه اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام در لحظه مرگ

در این نظریه، ضمیر «به» به حضرت عیسی علیه السلام و ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» به اهل کتاب باز می‌گردد (محلّی، ۱۴۱۶: ۱۰۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵: ۷۶؛ ابن انباری، ۱۳۶۲: ۲۷۵/۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۵: ۲۶۲/۱؛ ماوردی، بی‌تا، ۵۴۴/۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۳۲۸/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱/۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۰۸/۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۲۸/۲؛ بروسوی، بی‌تا، ۳۲۱/۲؛ نحاس، ۱۴۲۱: ۲۴۹/۱؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۴۱۳/۳؛ مراغی، بی‌تا، ۱۵/۶-۱۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰۹/۴).

زمخشری معتقد است که ضمیر «مَوْتِهِ» به اهل کتاب باز می‌گردد و بیان می‌کند که بازگشت ضمیر به حضرت عیسی قولی شاذ و نادر است. او به نکته‌ای اشاره می‌کند که حتی اهل سنت نیز به آن توجهی نداشته‌اند؛ یعنی هر فردی از اهل کتاب قبل از مرگ به حضرت عیسی ایمان می‌آورد. در هنگام نزول



عیسی از آسمان، خداوند یهودیان و مسیحیان فوت‌شده را زنده کرده و از رجعت عیسی و هدف آن آگاه می‌سازد، هرچند این ایمان در آن زمان برای آنان سودی ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۸۹/۱).

در این دیدگاه، واژه «إِنْ» در این آیه به‌عنوان نافیه تفسیر شده و مرع ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» به اهل کتاب است. این تفسیر به این معناست که همه مسیحیان و یهودیان در لحظه مرگ به حقیقت حضرت عیسی ایمان می‌آورند، اما این ایمان در آن لحظه هیچ سودی برای آنان ندارد (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۲/۱). طبرسی نیز ضمن بیان دیدگاه‌های دیگر، به بازگشت ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» به حضرت عیسی اشاره کرده است بدون اینکه آن را رد یا تأیید کند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۲/۱).

هجده روایت در تفسیر طبری از صحابه و تابعین نقل شده که آیه را به این صورت تفسیر کرده‌اند و برخی مفسران نیز این دیدگاه را پذیرفته‌اند (طبری، ۱۴۱۵: ۲۶/۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۱/۸ و ۳۲؛ شاذلی، ۱۴۱۲: ۸۰۳/۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴۸۸/۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۸۶/۲؛ طیب، ۱۳۷۸: ۲۶۷/۴؛ ابن‌عاشور، ۱۹۹۷: ۳۰۹/۴؛ الوسی، ۱۴۱۵: ۱۸۸/۳؛ حقی برسوی، بی‌تا، ۳۲۰/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۸۸/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۵۸۳/۳).

ادله قول ایمان همه اهل کتاب به حضرت عیسی در لحظه مرگ

۱. عموم فراز «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ»

یکی از مهم‌ترین دلایل قائلان این نظریه، عموم تعبیر مذکور در مورد اهل کتاب است که طبیعتاً همه اهل کتاب را شامل می‌شود. برخلاف نظریه قبلی که ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» را به حضرت عیسی برمی‌گرداند، این دیدگاه دلالت بر ایمان همه اهل کتاب در لحظه مرگ دارد، نه فقط اهل کتابی که در زمان رجعت حضرت عیسی حضور دارند. بنابراین، این تعبیر عمومی با دیدگاه قبلی که تنها اهل کتاب معاصر رجعت را شامل می‌داند، ناسازگار است (ابن‌عاشور، ۱۹۹۷: ۳۱۰/۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۱/۲ و ۳۳؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴۸۸/۲). علاوه بر این، عمومیت زمانی آیه شریفه از دوران حضرت عیسی تا قیامت را در بر می‌گیرد، و اهل کتاب در طول این مدت بر اعتقادات نادرست خود باقی می‌مانند؛ اما در لحظه مرگ، نبوت و مقام اولوالعزم حضرت مسیح برای آنان آشکار می‌شود (طیب، ۱۳۷۸: ۲۶۷/۴).

نقد

از ظاهر عبارت «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» عمومیت مطلقه به دست نمی‌آید، و استدلال بر این عمومیت با توجه به فراز آخر آیه «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» نامعتبر است. در واقع، اهل کتاب مذکور در ابتدای آیه تعبیری عام و کلی نیست و باید به اهل کتابی اختصاص یابد که حضور جسمانی و عادی حضرت مسیح را درک کرده‌اند. دلیل این امر آن است که معنای شهادت بر انسان‌ها همراه با نمود

و ظهور جسمانی در میان آنان است و با نمایش الگوی الهی و اتمام حجت بر آنان همراه است. بر این اساس، قرآن کریم (نحل: ۸۹ و ۸۴؛ نساء: ۴۱؛ قصص: ۷۵) شاهدان هر قوم را از میان همان ملت معرفی می‌کند. منظور از «هُؤُلَاءِ» حاضران در دوران رسالت حضرت عیسی است؛ زیرا اگر شهادت به معنای صرفاً شاهد بودن بر اعمال بدون اتمام حجت بود، نیازی نبود که شاهد هر قوم از میان همان قوم باشد و می‌توانست شهادتی از غیب، مانند یک فرشته، باشد. تأکید خداوند بر «مِنْ أَنْفُسِهِمْ» نشانگر این است که شاهد باید فردی حق‌محور، عادل، و از میان همان قوم باشد که با سخن و کردار خود بر آنان اتمام حجت کرده است. برخی مفسران، شهادت را تنها به حضور مادی و دنیوی شاهد محدود کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۷/۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۷/۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۲/۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۷۲/۷).

ثانیاً، خداوند در سوره مائده (۱۱۶-۱۱۷) به‌صراحت بیان می‌کند که شهادت حضرت عیسی تنها برای افرادی است که دوران حضور جسمانی و عادی ایشان را درک کرده‌اند. در این آیه، «توفی» به معنای عروج حضرت مسیح است و بیان می‌شود که شهادت ایشان مختص به دوران قبل از عروج است (رضایی کهنمویی، ۱۳۹۱: ۴۹). ممکن است این شبهه پیش آید که «توفی» به مرگ حضرت مسیح بعد از رجعت اشاره دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۶/۵)، که برای رفع این شبهه نیاز است به نکات زیر توجه شود.

ریشه «توفی» در قرآن کریم در مورد حضرت مسیح، علاوه بر آیه مورد بحث، در آیه دیگری نیز به‌کار رفته است: (آل عمران ۵۵). اکثر مفسرانی که به عروج و رجعت حضرت مسیح باور دارند، این آیه را ناظر به عروج و نه مرگ حضرت می‌دانند.

آیه قرآن نشان می‌دهد که اعتقادات شرک‌آمیز درباره حضرت مسیح پس از توفی او شکل گرفته است. حضرت مسیح در فراز «وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» از این اعتقادات بیزاری می‌جوید، و این بیانگر این است که تا زمانی که حضرت مسیح در میان مردم حضور داشت و آنان را به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد، اجازه ظهور چنین عقایدی را نمی‌داد. این اعتقادات پس از توفی حضرت بروز یافته است، یعنی پس از زمانی که دیگر شاهد اعمال آنان نبوده و امکان امر و نهی وجود نداشته است. به‌عبارت دیگر، این باورها پس از عروج حضرت مسیح تا زمان حاضر شکل گرفته‌اند.

۲. قرائت ابی بن کعب

بر اساس قرائت ابی بن کعب: "اسحاق بن ابراهیم بن حبیب بن الشهید، قال ثنا عتاب بن بشیر، عن خصیف، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» قال: هی فی



قراءه ابی: «لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِمْ». برخی مفسران این قرائت را به عنوان تفسیری تبیین کننده برای آیه در نظر گرفته اند (ابن حیان، ۱۴۲۰: ۱۳۰/۴؛ ابن جزئی، ۱۴۱۶: ۲۱۶/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۶/۶؛ فراء، ۱۹۸۰: ۲۹۵/۱؛ الوسی، ۱۴۱۵: ۱۸۸/۳؛ شاذلی، ۱۴۱۲: ۸۰۴/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۵۸۳/۳).

نقد:

۱. این قرائت برای کسانی معتبر است که به وجود قرائات مختلف و حیانی اعتقاد داشته باشند؛ در حالی که بسیاری از پیروان اهل بیت چنین اعتقادی ندارند. در حدیثی از امام محمد باقر (علیه السلام) آمده است که: "همانا قرآن یکی است و از نزد خدای یگانه نازل شده است، ولی اختلاف از طرف راویان پدید می آید" (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۰/۲). شیعه بر این باور است که قرآن بر یک قرائت واحد نازل شده و این روایات را متعدد می داند (طبرسی، ۱۳۷۳: ۷۹/۱). قرآن و قرائات دو واقعیت متمایز هستند؛ قرائت به معنای تفاوت در نوشتن یا تلفظ حروف است، در حالی که قرآن وحی الهی برای اعجاز است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۴۶۵/۱).

۲. سند قرائت ابی بن کعب از طریق روایتی ذکر شده که یکی از اسناد آن ضعیف است و در سنن سعید بن منصور آمده (خراسانی مروزی، ۱۴۱۴: ۱۴۲۷/۴، ح ۷۰۹). سند دیگر نیز به دلیل وجود خضیف بن عبدالرحمن الجزری قابل اعتماد نیست (ذهبی، ۱۳۸۲: ۶۵/۱). علاوه بر این، این روایت در منابع معتبر اولیه اهل سنت وجود ندارد و استناد به آن برای اثبات متن قرآن نمی تواند معتبر باشد.

۲. در مورد اینکه این قرائات از زمان پیامبر اسلام به صورت متواتر نقل شده اند یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری از اهل سنت این قرائات را متواتر می دانند؛ برای مثال، "سبکی" به تواتر قرائات ده گانه معتقد است، اما زرکشی تنها قرائات هفت گانه را معتبر می داند و در تواتر آن ها تردید دارد (الاتقان، ۱۳۸۰: ۲۰۵/۱). بر اساس برخی شیعیان، این قرائات متواتر نیستند و بیشتر اجتهادی و نقل شده به صورت خبر واحد هستند. بنابراین، تواتر قرآن لزوماً به معنای تواتر قرائات نیست و تواتر قرائات مستند به دلایل تواتر قرآن نمی باشد (خویی، ۱۴۱۸: ۱۲۳-۱۲۴).

۳. روایات: ظهور واقعیت در هنگام مرگ

برخی احادیث حاکی از این هستند که واقعیت برای انسان ها در لحظه مرگ آشکار می شود (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۶۶/۱۰). این آیه شریفه تأییدکننده احادیثی است که بیان می کنند یهود و نصارا در لحظه مرگ به حقانیت حضرت مسیح پی می برند و به او ایمان می آورند. ملائکه هنگام مرگ، اهل کتاب را مخاطب قرار داده و حقیقت را برای آنان روشن می سازند (مراغی، بی تا، ۱۶/۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۸۶/۲). این دیدگاه از قول حسن، مجاهد، و ابن عباس نیز حمایت شده و طبری نیز آن را از مجاهد نقل کرده است (طبری،

۱۴۱۲: ۱۵/۶). زمخشری این نظریه را به ابن عباس منسوب کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۸۸/۱). بسیاری از مفسران این دیدگاه را به صورت احتمالی بیان کرده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۶: ۵۲۸/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱/۶؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۲۸/۲؛ حقی برسوی، بی تا، ۳۲۱/۲).

۳. ایمان اهل کتاب به رسول خدا در لحظه مرگ

قائلین به این دیدگاه، مرجع ضمیر «به» را به رسول اکرم و مرجع ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» را اهل کتاب می‌دانند (بقاعی، ۱۴۲۷: ۳۶۵/۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۳۲۸/۲؛ سمین، ۱۴۱۴: ۴۶۰/۲؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹: ۱۵۴/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۹۷/۱؛ خازن، ۱۴۱۵: ۴۴۵/۱؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۷۶۳/۲؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۸۶/۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱۲۴/۲). احادیث متعددی با این مضمون نقل شده است و سندهای آن‌ها یا مرفوعه هستند یا دارای اشکال (مجلسی، بی تا، ۵۵/۴؛ ۱۴۳/۳؛ کرمانی، ۱۹۹۸: ۴۲۶/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۲۶/۱). بر اساس این توضیح، همه یهودیان و مسیحیان در هنگام مرگ به حقانیت رسالت پیامبر اسلام یقین پیدا می‌کنند و ایمان می‌آورند؛ اما چنین ایمانی سودی نخواهد داشت، زیرا زمان تکلیف به پایان رسیده است. بنابراین آیه شریفه این گونه ترجمه می‌شود: «و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگ خود، به رسول خدا ایمان می‌آورد» (هاوردی، بی تا، ۵۴۴/۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴۱۳/۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۹/۶؛ عیاشی، بی تا، ۲۸۴/۱). این دیدگاه، قابلیت جری و تطبیق بر همه انسان‌ها را دارد، چرا که حقانیت و صدق نبوت پیامبر اسلام بر همگان در لحظه مرگ آشکار می‌شود.

۴. ایمان همه مردم به پیامبر خدا در زمان رجعت

مستند قائلین به این دیدگاه، مرجع ضمیر «به» را به رسول اکرم و مرجع ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» را همه انسان‌ها می‌دانند. حدیث «فَإِنَّهُ رُويَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَجَعَ آمَنَ بِهِ النَّاسُ كُلُّهُمْ» به عنوان دلیلی برای این تأویل آورده شده است؛ این حدیث، آیه مذکور را به زمان رجعت پیامبر اسلام تفسیر می‌کند و به صراحت می‌گوید که در آن زمان، همه انسان‌ها به رسول خدا ایمان می‌آورند (قمی، ۱۳۶۳: ۱۵۸/۱). بر اساس این دیدگاه، آنچه از ظاهر آیه قرآن برداشت می‌شود با تفسیر ظاهری آیه متفاوت است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این نوع برداشت در حوزه تأویل قرار می‌گیرد.

۵. ایمان اهل کتاب به پیامبر خدا و حضرت علی در هنگام مرگ

قائلین به این دیدگاه، مرجع ضمیر «به» را به حقانیت و درستی رسول اکرم و حضرت علی، و مرجع ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» را همه اهل کتاب می‌دانند.



مؤید روایی: حدیثی در منابع روایی شیعه موجود است که بیان می‌کند تفسیر این آیه چنین است که همه اهل کتاب پیش از مرگ به حقانیت و صدق دعوت پیامبر اسلام و حضرت علی ایمان می‌آورند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۵۰/۲؛ کوفی، ۱۱۵/۱۴۱۰؛ عیاشی، بی تا، ۲۸۴/۱، ح ۳۰۳).

لازم به ذکر است که مطابق قواعد زبان عربی، مرجع ضمیر باید پیش از جمله ذکر شود. در آیه مورد نظر هیچ سخنی از پیامبر اکرم ﷺ یا امام علی ﷺ به میان نیامده است و ارجاع ضمیر «هاء» به این دو بزرگوار برخلاف ظاهر آیه است. از سوی دیگر، این نوع برداشت روایی چون در ذیل آیه قرآن مطرح شده، به‌عنوان یک برداشت تفسیری و از باب جری و تطبیق محسوب می‌شود. با توجه به اینکه در لحظه مرگ، حقانیت دین اسلام آشکار می‌گردد، صدق و درستی پیامبران الهی نیز برای همه آشکار می‌شود

۶. اعتراف فرزندان حضرت زهراؑ به امامت امام خویش هنگام فوت

قائلین به این دیدگاه، «اهل کتاب» را به معنای اهل قرآن دانسته و آن‌ها را به فرزندان حضرت زهراؑ تفسیر کرده‌اند. مرجع ضمیر «به» به امام زمان ایشان و مرجع ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» به همه این مسلمانان، یعنی فرزندان حضرت زهراؑ، ارجاع داده شده است. در یک حدیث، تفسیر این آیه به این صورت بیان شده که هیچ‌یک از فرزندان حضرت زهراؑ نمی‌میرند مگر اینکه به امامت امام خود اعتراف می‌کنند (عیاشی، بی تا، ۲۸۳/۱-۲۸۴، ح ۳۰۰).

بدیهی است که ظاهر لفظ «اهل کتاب» در قرآن به یهودیان و مسیحیان اشاره دارد و نه مسلمانان؛ بنابراین، تطبیق این واژه بر فرزندان حضرت زهراؑ نیازمند قرینه قوی است که در این آیه وجود ندارد. از سوی دیگر، حمل آیه بر امام زمان ﷺ نیز در زمانی که قرآن هنوز هیچ‌یک از این حضرات معصومین ﷺ را ندیده بود، خلاف ظاهر است و نیازمند قرینه‌ای است که در این مقام موجود نیست. با این اوصاف، این دیدگاه به‌عنوان یک تطبیق و جری تفسیری مطرح شده و معنای ظاهری آیه را بیان نمی‌کند، بلکه معنای باطنی آن محسوب می‌شود.

جمع‌بندی نهایی درباره دیدگاه‌های مفسران شیعه و اهل سنت پیرامون آیه مذکور به شرح زیر است:

۱. دیدگاه مفسران شیعه: در میان دیدگاه‌های مفسران شیعه، نظریه‌ای که هر دو مرجع ضمیر «بِهِ» و «قَبْلَ مَوْتِهِ» را حضرت عیسی ﷺ می‌داند، برتری دارد. این تفسیر با سیاق آیات هماهنگ است، زیرا در آیات پیشین، هیچ سخنی از غیر حضرت عیسی ﷺ به میان نیامده است. دیگر روایات به‌عنوان تفسیر آیه پذیرفته نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان تطبیق و جری قابل بررسی‌اند.

۲. دیدگاه مفسران اهل سنت: از دیدگاه‌های اهل سنت، تنها نظریه‌ای که هر دو ضمیر «بِهِ» و «قَبْلَ مَوْتِهِ» را به حضرت عیسی ﷺ ارجاع می‌دهد و منوط به نزول حضرت عیسی در آخرالزمان و پس از

ظهور امام زمان علیه السلام است، برتری دارد. این دیدگاه به دلیل وجود تعداد زیادی روایت در منابع اهل سنت، معتبرتر است. طبری به تنهایی شانزده روایت از صحابه و تابعین در تفسیر این آیه ذکر کرده است که هر چند از نظر سندی ضعیف هستند، اما با توجه به سیاق آیات پیشین و کثرت روایات، می توان این تفسیر را پذیرفت. بر اساس این دیدگاه، حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در زمان ظهور امام زمان علیه السلام همه اهل کتاب به او ایمان می آورند.

۳. تحلیل روایات شیعه و سنی: روایت شیعی نقل شده از شهر بن حوشب، به امام محمد باقر علیه السلام نسبت داده شده است، در حالی که در منابع اهل سنت، این روایت از محمد بن علی بن ابیطالب (که به محمد حنفیه یا از ام سلمه نسبت داده شده) ذکر شده است. علامه طباطبایی اشاره کرده اند که اختلاف ناقلان در افزودن «ابن ابیطالب» به نام محمد بن علی باعث بروز این اختلاف شده است. از لحاظ محتوایی نیز روایت منقول از محمد حنفیه و ام سلمه عام تر است و شامل یهودیان و مسیحیان قبل از نزول حضرت عیسی نیز می شود، در حالی که روایت منقول از امام محمد باقر علیه السلام تنها یهودیان و مسیحیان بعد از نزول حضرت را شامل می شود. فراز «پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می خوانند» در روایات منقول از محمد حنفیه یا ام سلمه نیامده و فقط به فرود حضرت عیسی علیه السلام از آسمان اشاره شده است. با این حال، روایات دیگری در مصادر شیعه و سنی به نزول حضرت عیسی علیه السلام در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام به صورت مستفیض اشاره کرده اند، که این دیدگاه را تایید می کنند و خللی در آن ایجاد نمی شود. هر چند ظاهر آیه گروه خاصی را مخاطب قرار داده، اما حکم آن عام است و برای عبرت گیری همه انسان ها ناظر است (میبدی، ۱۳۵۲: ۲۳۰/۱)

نتیجه گیری

مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر این آیه شش دیدگاه را مطرح کرده اند: ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی قبل از مرگ او؛ ایمان اهل کتاب قبل از مرگ خودشان؛ ایمان اهل کتاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در لحظه مرگ؛ ایمان اهل کتاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام هنگام رحلت؛ ایمان همه مردم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در زمان رجعت؛ اعتراف فرزندان حضرت زهرا علیها السلام به امامت امام خویش هنگام فوت.

پس از ارزیابی و تحلیل دلایل هر دسته، دیدگاهی که ایمان اهل کتاب را به زمان حضور حضرت عیسی علیه السلام و قبل از مرگ او در عصر ظهور امام زمان علیه السلام و رجعت حضرت عیسی علیه السلام مرتبط می داند، تأیید شد. این دیدگاه به دلیل سازگاری با سیاق آیات و دلایل دیگر برتری دارد.



هرچند ظاهر آیه به گروه خاصی از اهل کتاب اشاره دارد، حکم آیه عام است و برای تمام انسان‌ها عبرت‌آموزی دارد. دیدگاه‌هایی که به دیگر اهل بیت علیهم‌السلام ناظر است، بیشتر از باب جری و تطبیق بر مصادیق حاضر یا به‌عنوان تأویل قابل پذیرش است. این تأویل می‌تواند بر زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام که در همان دوران حضرت عیسی علیه‌السلام نیز از آسمان فرود می‌آید، تطبیق داده شود.

با توجه به ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، روشن می‌شود که ایمان همه یهودیان بعد از رجعت و قبل از مرگ حضرت مسیح علیه‌السلام محقق خواهد شد. این امر نشان می‌دهد که یهودیت در دوران ظهور امام زمان علیه‌السلام، هم‌زمان با نزول حضرت عیسی علیه‌السلام، به پایان می‌رسد. نتیجه‌گیری از ادله روایی و عقلی ذیل آیه این است که ایمان اهل کتاب در عصر ظهور امام مهدی علیه‌السلام و در زمان نزول عیسی علیه‌السلام از آسمان رخ می‌دهد.

این دیدگاه به وضوح بیانگر آن است که در دوران ظهور، زمانی که حقانیت و صدق دعوت پیامبر اسلام و دیگر اهل بیت برای همگان آشکار می‌شود، اهل کتاب نیز ایمان خواهند آورد.

فهرست منابع

١. قرآن کریم.
٢. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم ییس اللغة - قم، بی نا، ١٤٠٤ق.
٣. ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد، البیان فی غریب اعراب القرآن، ٢ جلد، قم: مؤسسة دارالهجرة، ١٣٦٢ش.
٤. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ١٣٩٥ق.
٥. ابن جزی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، ٢ جلد، بیروت: شركة دارالأرقم بن أبي الأرقم، ١٤١٦ق.
٦. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، تذکرة الأریب فی تفسیر الغریب (غریب القرآن الکریم)، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٢٥ق.
٧. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ٤ جلد، بیروت: دارالکتب العربی، ١٤٢٢ق.
٨. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، ١٤٢٠ق.
٩. ابن عبدالسلام، عبدالعزيز بن عبدالسلام، تفسیر العز بن عبد السلام، دارالکتب العلمیة، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، ١٤٢٩ق.
١٠. ابن عجبیه، احمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، حسن عباس زکی، ١٤١٩ق.
١١. ابن عرفه، محمد بن محمد، تفسیر ابن عرفه، ٤ جلد، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ٢٠٠٨ م.
١٢. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ١٤٢٢ق.
١٣. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم: موسسه علمی فرهنگي دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ١٤٢٢ق.
١٤. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ١٤١٩ق.
١٥. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن الحافظ أبي عبدالله محمد بن یزید القزويني ابن ماجه، بیروت: دارالجيل، ١٤١٨ق.



۱۶. ابوالفتح رازى، حسين بن على، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، ۲۰ جلد، مشهد مقدس: آستان قدس رضوى، بنياد پژوهشهاى اسلامى، ۱۴۰۸ق.
۱۷. ابوحمزه ثمالى، ثابت بن دينار، تفسير القرآن الكريم (ثمالى)، بيروت: دارالمفيد، ۱۴۲۰ق.
۱۸. ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۰ق.
۱۹. ابوحيان، محمد بن يوسف، تفسير النهر الماد من البحر المحيط، بيروت: دارالجنان، ۱۴۰۷ق.
۲۰. ابوجيب، سعدى، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، چاپ دوم، دمشق: دارالفكر، ۱۴۰۸ ه. ق.
۲۱. اسماعيل صينى، محمود، المكنز العربى المعاصر، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون، ۱۴۱۴ق.
۲۲. آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، ۱۶ جلد، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، ۱۴۱۵ق.
۲۳. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، جمهورية مصر العربية، قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للثئون الاسلامية، لجنة احياء كتب السنة، ۱۴۱۰ق.
۲۴. بغوى، حسين بن مسعود، تفسير البغوى المسمى معالم التنزيل، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.
۲۵. بقاعى، ابراهيم بن عمر، نظم الدرر فى تناسب الآيات و السور، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، ۱۴۲۷ق.
۲۶. بيضاوى، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل (تفسير البيضاوى)، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۱۸ق.
۲۷. ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح و هو سنن الترمذى، ۶ جلد، قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
۲۸. ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد، تفسير الثعالبى المسمى بالجواهر الحسان فى تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۱۸ق.
۲۹. ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف و البيان المعروف تفسير الثعلبى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۲ق.
۳۰. جرجانى، حسين بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسير گازر)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ق.
۳۱. جرجانى، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، درج الدرر فى تفسير القرآن العظيم، عمان: دارالفكر، ۱۴۳۰ق.

٣٢. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربية، بيروت: دارالعلم للملایین، ١٣٧٦ق،
٣٣. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت: دارالجمیل، ١٤١٣ق.
٣٤. حلّی، حسن بن علیّ بن داود، الرجال (لابن داود)، تهران: دانشگاه تهران: ١٣٤٢ ش
٣٥. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الاقوال، قم: دارالذخائر، ١٤١١ق؛
٣٦. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ١٤١٥ق؛
٣٧. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ١٤١٥ق.
٣٨. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ١٤٢١ق.
٣٩. دقیق العاملی، معین، الجری والتطبیق عند مفسری الامامیه، قراء فی المفهوم و الثمرات، رساله الثقلین، بی تا.
٤٠. دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ١٤٢٤ق.
٤١. رستم نژاد، مهدی، گونه شناسی روایات تفسیری، فصلنامه علوم قرآن و حدیث حسنا، شماره ١، بی تا.
٤٢. رضایی اصفهانی، محمد علی، تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق، اندیشه دینی، شماره ٢٥، ١٣٨٦.
٤٣. زجاج، ابراهیم بن سری، اعراب القرآن (زجاج)، قم، دارالتفسیر، ١٤١٦ق.
٤٤. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ٣٢ جلد، دمشق: دارالفکر، ١٤١١ق.
٤٥. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، ١٤٠٧ق.
٤٦. زمخشری، محمود بن عمر، موسسه مطالعات اسلامی تهران: دانشگاه تهران: ١٣٨٦ ه. ش.
٤٧. سبزواری، محمد، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٦ق.
٤٨. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دارالفکر، ١٤١٦ق.



۴۹. سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۴ق.
۵۰. سیواسی، احمد بن محمود، عیون التفاسیر، بیروت: دار صادر، ۱۴۲۷ق.
۵۱. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳ش.
۵۲. شریعت، محمد جواد، چهارده روایت در قرائت قرآن مجید، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶ش.
۵۳. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۵۴. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادقی الطهرانی، ۱۴۱۹ق.
۵۵. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الأصول (طبع انتشارات اسلامی)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۵۶. طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۴ ه. ق،
۵۷. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر البیان فی الموافقة بین الحديث و القرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.
۵۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن - اربد: دارالکتب الثقافی ۲۰۰۸م.
۵۹. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۶۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۶۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۶۲. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۶۹ش.
۶۳. عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی إعراب القرآن، عربستان - ریاض: بیت الأفكار الدولية، ۱۴۱۹ق.
۶۴. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ق.

٦٥. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ١٤٢٠ق.
٦٦. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن (فراء)، ٣ جلد، قاهره: هیئة المصریة العامة للكتاب، ١٩٨٠م.
٦٧. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ١٤٠٩ق.
٦٨. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، بیروت: مکتبه العصریه، ١٤٢٨ق.
٦٩. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، ١٤١٥ق.
٧٠. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٧١. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ١٣٦٣ش.
٧٢. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، ١٤١٠ق.
٧٣. کرمانی، محمود بن حمزه، البرهان فی مشابه القرآن، المنصوره: دارالوفاء، ١٩٩٨م.
٧٤. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ١٤٠٧ق.
٧٥. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، ١٤١٠ق.
٧٦. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ١٤٢٦ق.
٧٧. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون تفسیر الماوردی، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ: ١.
٧٨. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ١٤٠٣ق.
٧٩. محلی، محمد بن احمد، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات، ١٤١٦ق.
٨٠. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، ١٤١٩ق.
٨١. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
٨٢. مزی، یوسف، تهذیب الكمال فی اسماء الرجال، تحقیق: بشار عواد معروف، بی جا، بی نا، ١٤١٣ق.
٨٣. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، قاهره: دارالحديث، ١٤١٢ق.



۸۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۸۵. معرفت، محمد هادی، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم: موسسه التمهید، ۱۴۲۳ق.
۸۶. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۸۷. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۸۸. مکی بن حموش، الهدایة إلى بلوغ النهایة، جامعة الشارقة، امارات - شارجه: کلیة الدراسات العلیا و البحت العلمی، ۱۴۲۹ق.
۸۹. مهائمی، علی بن احمد، تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۳ق.
۹۰. میبدی، احمد بن محمد، خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، ترجمه: کشف الاسرار، تهران: اقبال، ۱۳۵۲ش.
۹۱. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۹۲. النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، حققه و علق علیه و اشرف علی طبعه عباس القوجانی.
۹۳. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن (نحاس)، ۵ جلد، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱ق.
۹۴. نخجوانی، نعمت الله محمود، الفواتح الهیة و المفاتح الغیبیة، مصر: دارالکتاب للنشر، ۱۹۹۹م.
۹۵. نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۱۶ق.
۹۶. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۶ق.
۹۷. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، إیجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
۹۸. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، وضع البرهان فی مشکلات القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۰ق.
۹۹. واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز (واحدی)، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۵ق.

Bibliography

1. *Quran Karim (The Noble Quran)*.
2. 'Akbarī, 'Abdullāh bin Ḥossein, *Al-Tibyān fī I'rāb al-Qurān (The Clarification in the Grammar of the Quran)*, 'Arabistān – Riyād: Bayt al-Afkār al-Duwalīyah, 1419 AH (1998 CE).
3. 'Ayyāshī, Moḥammad bin Mas'ūd, *Al-Tafsīr (Commentary of al-'Ayyāshī)*, Tehran: Maktabat al-'Ulūm al-Islāmīyah, 1380 AH (2001 CE).
4. Abū al-Futūḥ Rāzī, Ḥossein bin 'Alī, *Rawḍ al-Janān wa Rūḥ al-Janān fī Tafsīr al-Qurān (The Garden of Gardens and the Spirit of Gardens in the Exegesis of the Quran)*, 20 Volumes, Mashhad: Āstānah Quds Raḍawī, Bunyād Paghūshhā-yi Islāmi, 1408 AH (1987 CE).
5. Abū Ḥamzah Thumālī, Thābit bin Dīnār, *Tafsīr al-Qurān al-Karīm (Commentary of the Noble Quran)*, Beirut: Dār al-Mufid, 1420 AH (1999 CE).
6. Abū Ḥayyān, Moḥammad bin Yūsuf, *Al-Baḥr al-Muḥīṭ fī al-Tafsīr (The Encircling Sea in Exegesis)*, Beirut: Dār al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
7. Abū Ḥayyān, Moḥammad bin Yūsuf, *Tafsīr al-Nahr al-Mādī min al-Baḥr al-Muḥīṭ (Exegesis of the Flowing River from the Encircling Sea)*, Beirut: Dār al-Jinān, 1407 AH (1986 CE).
8. Abū Jīb, Sa'dī, *Al-Qāmūs al-Fiqhī: Lughah wa Iṣṭilāḥ (The Juridical Dictionary: Language and Terminology)*, 2nd Edition, Damascus: Dār al-Fikr, 1408 AH (1987 CE).
9. Al-Najafī, Moḥammad Ḥassan, *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām (Jewels of Speech in the Explanation of the Laws of Islam)*, Edited, Annotated, and Overseen by Abbas al-Qūchānī.
10. Ālūsī, Maḥmūd bin 'Abdullāh, *Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qurān al-'Aẓīm wa al-Sab' al-Maṭānī (The Spirit of Meanings in the Exegesis of the Great Quran and the Seven Repeated)*, 16 Volumes, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Published by Moḥammad 'Alī Baydūn, 1415 AH (1994 CE).
11. Baghawī, Ḥossein bin Mas'ūd, *Tafsīr al-Baghawī al-Masmā "Ma'ālim al-Tanzīl" (The Commentary of al-Baghawī known as Landmarks of Revelation)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1420 AH (1999 CE).



12. Bayḍāwī, ‘Abdullāh bin ‘Umar, *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta’wīl (The Lights of Revelation and the Secrets of Interpretation)*, Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī, 1418 AH (1997 CE).
13. Biqā’ī, Ibrāhīm bin ‘Umar, *Naẓm al-Durar fī Tanāsib al-Āyāt wa al-Suwar (Arrangement of the Pearls in the Correspondence of the Verses and the Chapters)*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah, Published by Moḥammad ‘Alī Baydūn, 1427 AH (2006 CE).
14. Bukhārī, Moḥammad bin Ismā‘īl, *Ṣaḥīḥ al-Bukhārī (The Authentic of Bukhārī)*, Arab Republic of Egypt, Cairo: Ministry of Awqāf, Supreme Council for Islamic Affairs, Committee for Reviving the Books of Sunnah, 1410 AH (1989 CE).
15. Daqīq al-‘Āmilī, Mu‘īn, *Al-Jarī wa al-Taṭbīq ‘Inda Mufasssīrī al-Imāmiyyah (The Flow and Application According to the Exegetes of the Imāmiyyah)*, Qirā’āt fī al-Mafhūm wa al-Thamarāt, Risālat al-Thaqalayn, n.d.
16. Dīnawarī, ‘Abdullāh bin Moḥammad, *Tafsīr Ibn Wahb al-Masmā “Al-Wāḍiḥ fī Tafsīr al-Qurān al-Karīm” (Commentary of Ibn Wahb known as the Clear Commentary on the Noble Quran)*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah, Published by Moḥammad ‘Alī Baydūn, 1424 AH (2003 CE).
17. Durūzī, Moḥammad ‘Izzah, *Al-Tafsīr al-Ḥadīth: Tartīb al-Suwar ḥasb al-Nuzūl (Modern Commentary: Ordering of the Surahs According to Revelation)*, Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī, 1421 AH (2000 CE).
18. Fakhr Rāzī, Moḥammad bin ‘Umar, *Al-Tafsīr al-Kabīr (The Great Commentary, also known as Mafātīḥ al-Ghayb)*, Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī, 1420 AH (1999 CE).
19. Farā’, Yaḥyā bin Ziyād, *Ma’ānī al-Qurān (Meanings of the Quran)*, 3 Volumes, Cairo: Egyptian General Book Organization, 1980 CE.
20. Farāhīdī, Khalīl bin Aḥmad, *Kitāb al-‘Ayn (The Book of ‘Ayn)*, Qom: Nashr Hijrat, 1409 AH (1989 CE).
21. Fayḍ Kāshānī, Moḥammad bin Shāh Muṭṭasā, *Tafsīr al-Ṣāfi (The Pure Commentary)*, Tehran: Maktabat al-Ṣadr, 1415 AH (1995 CE).
22. Fīyūmī, Aḥmad bin Moḥammad, *Al-Miṣbāḥ al-Munīr (The Illuminating Lamp)*, Beirut: Maktabat al-‘Aṣriyya, 1428 AH (2007 CE).

23. Hījāzī, Moḥammad Maḥmūd, *Al-Tafsīr al-Wāḍiḥ (The Clear Commentary)*, Beirut: Dār al-Jīl, 1413 AH (1992 CE).
24. Hīllī, Ḥassan bin ‘Alī bin Dāwūd, *Al-Rijāl li Ibn Dawood (The Biographical Evaluation of Ibn Dawood)*, Tehran: University of Tehran, 1342 SH (1963 CE).
25. Hīllī, Ḥassan bin Yūsuf bin Muṭahhar, *Khulāṣat al-Qawāl (The Summary of Opinions)*, Qom: Dār al-Dhakā’ir, 1411 AH (1990 CE).
26. Ḥuwayzī, ‘Abd ‘Alī bin Jum‘ah, *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn (Commentary of the Light of the Two Weighty Ones)*, Qom: Ismā’īliyyān, 1415 AH (1994 CE).
27. Ibn ‘Abd al-Salām, ‘Abd al-‘Azīz bin ‘Abd al-Salām, *Tafsīr al-‘Izz bin ‘Abd al-Salām (Commentary of the Honorable Ibn ‘Abd al-Salām)*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah, Published by Moḥammad ‘Alī Baydūn, 1429 AH (2008 CE).
28. Ibn ‘Ajjībah, Aḥmad, *Al-Baḥr al-Madīd fī Tafsīr al-Qurān al-Majīd (The Extensive Sea in the Exegesis of the Glorious Quran)*, Cairo: Ḥassan ‘Abbās Zikī, 1419 AH (1999 CE).
29. Ibn ‘Arīfah, Moḥammad bin Moḥammad, *Tafsīr Ibn ‘Arīfah (Commentary of Ibn ‘Arīfah)*, 4 Volumes, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah, Published by Moḥammad ‘Alī Baydūn, 2008 CE.
30. Ibn ‘Āshūr, Moḥammad Ṭāhir, *Tafsīr al-Taḥrīr wa al-Tanwīr (Commentary on Purification and Illumination)*, Beirut: Mu’assasah al-Tārīkh al-‘Arabī, 1420 AH (2000 CE).
31. Ibn ‘Aṭīyyah, ‘Abd al-Ḥaqq bin Ghālib, *Al-Muḥarrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-‘Azīz (The Concise Clarification in the Exegesis of the Noble Book)*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah, Published by Moḥammad ‘Alī Baydūn, 1422 AH (2002 CE).
32. Ibn Anbārī, ‘Abd al-Raḥmān bin Moḥammad, *Al-Bayān fī Gharīb I’rāb al-Qurān (The Explanation of the Rare Expressions in the Grammar of the Quran)*, 2 Volumes, Qom: Mu’assasah Dār al-Hijrah, 1362 SH (1983 CE).
33. Ibn Bābawayh, Moḥammad bin ‘Alī, *Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Ni‘mah (The Perfection of the Faith and the Completeness of the Blessing)*, 2nd Edition, Tehran: Islāmiyyah, 1395 AH (1975 CE).
34. Ibn Fāris, Aḥmad bin Fāris, *Mu‘jam Maqāyīs al-Lughah (Lexicon of Arabic Language)*, Qom: n.p., 1404 AH (1984 CE).



35. Ibn Ghadhā'irī, Aḥmad bin Ḥossein, *Al-Rijāl (The Biographical Evaluation)*, Qom: Mu'assasah 'Ilmī Farhangī Dār al-Ḥadīth, Printing and Publishing Organization, 1422 AH (2001 CE).
36. Ibn Jazī, Moḥammad bin Aḥmad, *Al-Tashīl li 'Ulūm al-Tanzīl (Facilitation of the Sciences of Revelation)*, 2 Volumes, Beirut: Sharikat Dār al-Arḡam bin Abī al-Arḡam, 1416 AH (1996 CE).
37. Ibn Juzayy, 'Abd al-Raḥmān bin 'Alī, *Tadhkirat al-'Arīb fī Tafṣīr al-Gharīb (Reminder of the Eloquent in the Interpretation of Rare Words)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, 1425 AH (2005 CE).
38. Ibn Juzayy, 'Abd al-Raḥmān bin 'Alī, *Zād al-Masīr fī 'Ilm al-Tafṣīr (Provision for the Journey in the Science of Commentary)*, 4 Volumes, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1422 AH (2002 CE).
39. Ibn Kathīr, Ismā'īl bin 'Umar, *Tafṣīr al-Qurān al-'Azīm (Exegesis of the Great Quran)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Published by Moḥammad 'Alī Baydūn, 1419 AH (1999 CE).
40. Ibn Mājah, Moḥammad bin Yazīd, *Sunan al-Ḥāfiẓ Abī 'Abdallāh Moḥammad bin Yazīd al-Qazwīnī Ibn Mājah (Traditions of the Preserver Abū 'Abdallāh Moḥammad bin Yazīd al-Qazwīnī Ibn Mājah)*, Beirut: Dār al-Jīl, 1418 AH (1997 CE).
41. Ismā'īl Ṣīnī, Maḥmūd, *Al-Maknaz al-'Arabī al-Mu'āṣir (The Contemporary Arabic Lexicon)*, Beirut: Maktabat Lubnān Nāshirūn, 1414 AH (1994 CE).
42. Jawharī, Ismā'īl bin Ḥammād, *Al-Ṣiḥāḥ: Tāj al-Lughah wa Ṣiḥāḥ al-'Arabiyyah (The Authentic: The Crown of Language and the Authenticity of Arabic)*, Beirut: Dār al-'Ilm li al-Malā'in, 1376 AH (1957 CE).
43. Jurjānī, 'Abd al-Qāhir bin 'Abd al-Raḥmān, *Daraj al-Durar fī Tafṣīr al-Qurān al-'Azīm (The Gradation of the Pearls in the Exegesis of the Great Quran)*, 'Ammān: Dār al-Fikr, 1430 AH (2009 CE).
44. Jurjānī, Ḥossein bin Ḥassan, *Jalā' al-Adhzān wa Jalā' al-Aḥzān (The Cleansing of Minds and the Removal of Sorrows)*, Tehran: University of Tehran, 1378 SH (1999 CE).

45. Kāshānī, Moḥammad bin Muṭṭasā, *Tafsīr al-Mu'īn (The Supportive Commentary)*, Qom: General Library of His Eminence Ayatollah al-'Uzmā Mar'ashī Najafī (may Allah be pleased with him), 1410 AH (1990 CE).
46. Khāzin, 'Alī bin Moḥammad, *Tafsīr al-Khāzin al-Masmā "Lubāb al-Tafwīl fī Ma'ānī al-Tanzīl"* (*The Commentary of al-Khāzin known as the Core of Interpretation in the Meanings of Revelation*), Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Published by Moḥammad 'Alī Baydūn, 1415 AH (1994 CE).
47. Kirmānī, Maḥmūd bin Ḥamzah, *Al-Burhān fī Mutashābih al-Qurān (The Proof in the Ambiguous Verses of the Quran)*, Manṣūrah: Dār al-Wafā', 1998 CE.
48. Kūfī, Furāt bin Ibrāhīm, *Tafsīr Furāt al-Kūfī (Commentary of Furāt al-Kūfī)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Foundation, 1410 AH (1989 CE).
49. Kulayni, Moḥammad bin Ya'qūb, *Al-Kāfī (The Sufficient Narration Source for Shia)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya, 1407 AH (1987 CE).
50. Ma'rifat, Moḥammad Hādī, *Shubuhāt wa Rudūd Ḥawla al-Qurān al-Karīm (Doubts and Rebuttals about the Glorious Quran)*, Qom: Mu'assasah al-Tamhīd, 1423 AH (2002 CE).
51. Madrāsī, Moḥammad Taqī, *Min Hudā al-Qurān (From the Guidance of the Quran)*, Tehran: Dār Muḥibbī al-Ḥossein, 1419 AH (1998 CE).
52. Maḥallī, Moḥammad bin Aḥmad, *Tafsīr al-Jalālayn (The Commentary of the Two Jalāls)*, Beirut: Mu'assasah al-Nūr li al-Maṭbū'āt, 1416 AH (1996 CE).
53. Majlisī, Moḥammad Bāqir bin Moḥammad Taqī, *Bihār al-Anwār al-Jāmi'a li Durar Akhbār al-A'immah al-Ṭāhirīn ('alayhim al-salām) (Seas of Lights Gathering the Pearls of the Reports of the Pure Imams)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1403 AH (1983 CE).
54. Makkī bin Ḥamūsh, *Al-Hidāyah ilā Bulūgh al-Nihāyah (Guidance to the Ultimate End)*, Sharjah University, UAE – Sharjah: College of Graduate Studies and Scientific Research, 1429 AH (2008 CE).
55. Marāghī, Aḥmad Muṣṭafā, *Tafsīr al-Murāghī (Commentary of al-Murāghī)*, Beirut: Dār al-Fikr, n.d.



56. Mātridī, Moḥammad bin Moḥammad, *Ta'wīlāt Ahl al-Sunnah (The Exegesis of the Sunni)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Published by Moḥammad 'Alī Baydūn, 1426 AH (2005 CE).
57. Māwardī, 'Alī bin Moḥammad, *Al-Nukat wa al-'Uyūn (The Notes and Insights)*, Commentary of al-Māwardī, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Published by Moḥammad 'Alī Baydūn, Edition: 1.
58. Mazzī, Yūsuf, *Tahdhīb al-Kamāl fī Asmā' al-Rijāl (The Refinement of Perfection in the Names of the Narrators)*, Edited by Bashār 'Awād Ma'rūf, N.p., n.p., 1413 AH (1993 CE).
59. Meybodī, Aḥmad bin Moḥammad, *Kashf al-Asrār wa 'Addat al-Abrār (The Unveiling of Secrets and the Number of the Pious)*, also known as the Commentary of Khwāja 'Abd Allāh Anṣārī, Tehran: Amīr Kabīr, 1371 SH (1992 CE).
60. Meybodī, Aḥmad bin Moḥammad, *Khulāṣah Tafṣīr Adabī wa 'Irfānī Qurān Majīd (Summary of the Literary and Mystical Commentary of the Glorious Quran)*, Translation: Kashf al-Asrār, Tehran: Iqbal, 1352 SH (1973 CE).
61. Mihāmī, 'Alī bin Aḥmad, *Tafṣīr al-Qurān al-Masmā "Tabṣīr al-Raḥmān wa Taysīr al-Mannān"* (Commentary of the Quran known as the Enlightenment of the Merciful and the Facilitation of the Generous), Beirut: 'Ālam al-Kutub, 1403 AH (1983 CE).
62. Moghniyah, Moḥammad Jawād, *Al-Tafṣīr al-Kāshif (The Revealing Commentary)*, Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī, 1424 AH (2003 CE).
63. Muqātil bin Sulaymān, *Tafṣīr Muqātil bin Sulaymān (Commentary of Muqātil bin Sulaymān)*, Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1423 AH (2002 CE).
64. Muslim bin Ḥajjāj, *Ṣaḥīḥ Muslim (The Authentic Collection of Muslim)*, Cairo: Dār al-Ḥadīth, 1412 AH (1991 CE).
65. Muṣṭafawī, Ḥassan, *Al-Tahqīq fī Kalimāt al-Qurān al-Karīm (The Verification in the Words of the Glorious Quran)*, Tehran: Bonyād Tarjumah wa Nashr Kitāb, 1360 SH (1981 CE).
66. Naḥḥās, Aḥmad bin Moḥammad, *I'rāb al-Qurān (Grammar of the Quran)*, 5 Volumes, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Published by Moḥammad 'Alī Baydūn, 1421 AH (2000 CE).

67. Nakhjavānī, Ni'mat Allāh Maḥmūd, *Al-Fawātiḥ al-Ilāhiyyah wa al-Mafātīḥ al-Ghaybiyyah (The Divine Opening and the Hidden Keys)*, Egypt: Dār al-Rakābī li al-Nashr, 1999 CE.
68. Nasafī, 'Abdullāh bin Aḥmad, *Tafsīr al-Nasafī: Madārīk al-Tanzīl wa Ḥaqā'iq al-Ta'wīl (Commentary of al-Nasafī: The Sources of Revelation and the Truths of Interpretation)*, Beirut: Dār al-Nafā'is, 1416 AH (1995 CE).
69. Neyshāpūrī, Maḥmūd bin Abū al-Ḥassan, *Ijmāz al-Bayān 'an Ma'ānī al-Qurān (Concise Explanation of the Meanings of the Quran)*, Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī, 1415 AH (1994 CE).
70. Neyshāpūrī, Maḥmūd bin Abū al-Ḥassan, *Wuḍḥ al-Burhān fī Mushkilāt al-Qurān (Clarification of Proofs in the Difficulties of the Quran)*, Beirut: Dār al-Qalam, 1410 AH (1989 CE).
71. Nizām al-'Araj, Ḥassan bin Moḥammad, *Tafsīr Ghurā'ib al-Qurān wa Raghā'ib al-Furqān (Commentary of the Wonders of the Quran and the Desires of the Criterion)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Published by Moḥammad 'Alī Baydūn, 1416 AH (1996 CE).
72. Qummī, 'Alī bin Ibrāhīm, *Tafsīr al-Qummī (Commentary of al-Qummī)*, Qom: Dār al-Kitāb, 1363 SH (1984 CE).
73. Qurtūbī, Moḥammad bin Aḥmad, *Al-Jāmi' li Aḥkām al-Qurān (The Comprehensive Commentary on the Rules of the Quran)*, Tehran: Nāṣir Khosrow, 1364 SH (1985 CE).
74. Reẓā'ī Esfahānī, Moḥammad 'Alī, *Tajallī Jāwdānīyat al-Qurān fī Qā'idah al-Jarī wa al-Taṭbīq (The Manifestation of the Eternity of the Quran in the Principle of Flow and Application)*, Andīshah Dīnī, No. 25, 1386 SH (2007 CE).
75. Rostam-Nazād, Mahdī, *Gūnah Shināsī-yi Riwayāt Tafsīrī (Typology of Exegetical Narratives)*, Faslnāmah 'Ulūm Qurān wa Ḥadīth Ḥusnā, No. 1, n.d.
76. Sabzawārī, Moḥammad, *Irshād al-Zihān ilā Tafsīr al-Qurān (Guidance to the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Dār al-Ta'āruf li al-Maṭbū'āt, 1406 AH (1985 CE).
77. Ṣādīqī Tehrānī, Moḥammad, *Al-Balāgh fī Tafsīr al-Qurān bi al-Qurān (The Eloquence in the Commentary of the Quran by the Quran)*, Qom: Maktabat Moḥammad al-Ṣādīqī al-Ṭahrānī, 1419 AH (1998 CE).



78. Şadr, Moḥammad Bāqir, *Durūs fī 'Ilm al-Uşūl (Lessons in the Science of Principles)*, Tehran: Intishārāt Islāmi, n.d.
79. Şāḥib, Ismā'īl bin 'Abbād, *Al-Muḥīṭ fī al-Lughah (The Ocean in Language)*, Beirut: 'Ālam al-Kutub, 1414 AH (1993 CE).
80. Samarkandī, Naşr bin Moḥammad, *Tafsīr al-Samarkandī al-Masmā "Baḥr al-'Ulūm" (Commentary of al-Samarkandī known as the Sea of Knowledge)*, Beirut: Dār al-Fikr, 1416 AH (1995 CE).
81. Samīn, Aḥmad bin Yūsuf, *Al-Durr al-Maşūn fī 'Ulūm al-Kitāb al-Maknūn (The Preserved Pearl in the Sciences of the Hidden Book)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, Published by Moḥammad 'Alī Baydūn, 1414 AH (1993 CE).
82. Shāh 'Abd al-'Azīmī, Ḥossein, *Tafsīr Ithnā 'Asharī (Twelve-Imām Commentary)*, Tehran: Miqāt, 1363 SH (1984 CE).
83. Sharī'at, Moḥammad Juwād, *Chahārdah Riwayat dar Qirā'at Qurān al-Majīd (Fourteen Narrations on the Recitation of the Glorious Quran)*, Tehran: Intishārāt Asātīr, 1386 SH (2007 CE).
84. Sīwāsī, Aḥmad bin Maḥmūd, *'Uyūn al-Tafsīr (Sources of Commentary)*, Beirut: Dār Şādīr, 1427 AH (2006 CE).
85. Ṭabarānī, Sulaymān bin Aḥmad, *Al-Tafsīr al-Kabīr: Tafsīr al-Qurān al-'Azīm (The Great Commentary: Exegesis of the Great Quran)*, Jordan – Irbid: Dār al-Kitāb al-Thaqāfī, 2008 CE.
86. Ṭabarī, Moḥammad bin Jarīr, *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān (Comprehensive Explanation in the Exegesis of the Quran)*, Beirut: Dār al-Ma'ārif, 1412 AH (1991 CE).
87. Ṭabarī, Faḍl bin Ḥassan, *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān (The Confluence of Explanations in the Commentary of the Quran)*, Tehran: Nāşir Khosrow, 1372 SH (1993 CE).
88. Ṭabarī, Faḍl bin Ḥassan, *Tarjamah Tafsīr Jawāmi' al-Jāmi' (Translation of the Commentary of Comprehensive Compilations)*, Mashhad al-Muqaddas: Āstānah-yi Quds Raḍawī, Bunyād-i Pizhūhishhā-yi Islāmi, 1375 SH (1996 CE).
89. Ṭabāṭabā'ī Karbalā'ī, 'Alī bin Moḥammad 'Alī, *Riyāḍ al-Masā'il fī Tahqīq al-Aḥkām bi al-Dalā'il (The Meadows of Issues in Confirming the Judgments with*

- Evidence), Qom: Mu'assasah Āl al-Bayt (A) li Ihya' al-Turāth, 1404 AH (1984 CE).
90. Ṭabāṭabā'ī, Moḥammad Ḥossein, *Tafsīr al-Bayān fī al-Muwāfaqat bayna al-Ḥadīth wa al-Qurān (The Commentary of Clarification on the Accordance Between the Hadith and the Quran)*, Beirut: Dār al-Ta'āruḥ li al-Maṭbū'āt, 1427 AH (2006 CE).
91. Ṭayyib, 'Abd al-Ḥossein, *Aṭyab al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān (The Best Commentary on the Quran)*, Tehran: Islāmi, 1369 SH (1990 CE).
92. Tha'ālibī, 'Abd al-Raḥmān bin Moḥammad, *Tafsīr al-Tha'ālibī al-Masmā "Al-Jawāhir al-Ḥassan fī Tafsīr al-Qurān" (The Commentary of al-Tha'ālibī known as the Beautiful Jewels in the Exegesis of the Quran)*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī, 1418 AH (1997 CE).
93. Tha'ālibī, Aḥmad bin Moḥammad, *Al-Kashf wa al-Bayān (The Unveiling and Explanation)*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī, 1422 AH (2001 CE).
94. Tirmidhī, Moḥammad bin 'Īsā, *Al-Jāmi' al-Ṣaḥīḥ (The Authentic Collection)*, 6 Volumes, Cairo: Dār al-Ḥadīth, 1419 AH (1998 CE).
95. Wāḥidī, 'Alī bin Aḥmad, *Al-Wujayz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz (The Concise Commentary on the Noble Book)*, Beirut: Dār al-Qalam, 1415 AH (1994 CE).
96. Zajjāj, Ibrāhīm bin Sarī, *I'rāb al-Qurān (The Grammar of the Quran)*, Qom: Dār al-Tafsīr, 1416 AH (1995 CE).
97. Zamakhsharī, Maḥmūd bin 'Umar, *Al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa 'Uyūn al-Aqwāl fī Wujūh al-Ta'wīl (The Revealer of the Truths of the Hidden Aspects of Revelation and the Sources of Sayings in the Faces of Interpretation)*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1407 AH (1987 CE).
98. Zamakhsharī, Maḥmūd bin 'Umar, *Mu'assasah Mutāla'āt Islāmi (Islamic Studies Institute)*, Tehran: University of Tehran, 1386 SH (2007 CE).
99. Zuhaylī, Wahbah, *Al-Tafsīr al-Munīr fī al-'Aqidah wa al-Sharī'ah wa al-Manhaj (The Illuminating Commentary on Belief, Law, and Methodology)*, 32 Volumes, Damascus: Dār al-Fikr, 1411 AH (1990 CE).